

دشمن‌شناسی و شیوه‌های نفوذ دشمن

ایجاد انگیزه

با پیروزی انقلاب اسلامی، دشمنان اسلام بیش از پیش خود را برای مقابله با اسلام ناب آماده کردند. آن‌ها همواره سعی نمودند تا از راه‌های گوناگون کیان و عظمت اسلام را متزلزل سازند؛ بنابراین برای دفاع از حریم اسلام و انقلاب اسلامی در مرحله اول باید دشمن را شناسایی کرد و سپس با تاسی به اولیای الهی روش برخورد با آنان را آموخت؛ زیرا دشمن با چهره‌های گوناگون ظاهر می‌شود و برای هر زمانی باید سلاحی متناسب با آن زمان را به کار گرفت. پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «إِنَّ أَعْقَلَ النَّاسِ عَبْدٌ عَرَفَ رَبَّهُ فَأَطَاعَهُ وَ عَرَفَ عَدُوَّهُ فَعَصَاهُ» (بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۱۷۹) به راستی عاقل‌ترین مردم بنده‌ای است که پروردگارش را بشناسد پس او را اطاعت کند و دشمنش را بشناسد پس از او سرپیچی کند.»

ضرورت و اهمیت شناخت دشمن از نگاه دقیق و وحیانی آیات قرآن نیز مخفی نمانده است. با تاملی دقیق در آیات درمی‌یابیم که تا چه اندازه قرآن کریم نسبت به «شناساندن دشمن» حساسیت نشان داده است، به طوری که بیش از هزار و پانصد آیه از آیات قرآن پیرامون دشمن‌شناسی است. این آیات، انواع دشمنان مؤمنان و نظام اسلامی، ابزار و شیوه‌های دشمن و راه‌های مقابله با آنان را به مسلمانان می‌آموزد.

امروزه نیز ما در میدان جنگ هستیم. در سال‌های اخیر اسلام هراسی، شیعه هراسی و ایران هراسی که توسط استکبار جهانی به شکل‌های گوناگون ضد جمهوری اسلامی ایران دنبال می‌شود، یکی از تاکتیک‌های دشمنان در جنگ نرم علیه جمهوری اسلامی ایران است.

به نظر شما دشمن از چه راه‌هایی نفوذ می‌کند؟ دشمنان ایران اسلامی برای تجاوز و حمله به این کشور از چه شیوه‌ها و تاکتیک‌هایی استفاده می‌کنند؟ چگونه می‌توان در مقابل نفوذهای دشمنان ایستادگی کرد؟

متن و محتوا

همان‌گونه که علوم و فن‌آوری‌ها روز بروز در حال به روز و نو شدن است، راه‌های نفوذ دشمن نیز روز به روز تغییر می‌کند؛ برخی از شیوه‌های نفوذ دشمنان عبارت‌اند از:

الف) ایجاد اختلاف بین مسئولین و اقشار مختلف

اختلاف و تفرقه یکی از ابزارهای نفوذ دشمنان است. این ابزار که بسیار کارآمد نیز هست، باعث شکستن صفوف مستحکم مؤمنان شده و دشمنان نیز از آن برای انحراف مؤمنین استفاده می‌کنند. خداوند در قرآن مسلمانان را به وحدت و دوری از تفرقه سفارش کرده است «وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَ لَا تَفَرَّقُوا وَ اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ اَعْدَاءً فَالَفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَاصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ اِخْوَانًا(آل عمران / ۱۰۳) و همگی به ریسمان خدا [قرآن و اسلام و هرگونه وسیله وحدت]، چنگ زبید و پراکنده نشوید! و نعمت (بزرگ) خدا را بر خود، به یاد آرید که چگونه دشمن یکدیگر بودید و او میان دل‌های شما، الفت ایجاد کرد و به برکتِ نعمتِ او، برادر شدید.»

روزی اوسیان و خزرجیان در نقطه‌ای گرد آمده بودند. وحدت و یگانگی این دو گروه که دیروز دشمن خون آشام یکدیگر بودند، یکی از یهودیان را سخت متأثر کرد. او فوری به یک جوان یهودی که در آن میان بود، اشاره کرد و خاطرات تلخ جنگ‌های گذشته را که میان دو قبیله وجود داشت، به یاد آنان آورد.

جوان یهودی سرگذشت جنگ «بعثت» را که سرانجام اوسیان بر خزرجیان پیروز شدند، یادآوری و آن خاطرات تلخ را آن چنان مطرح کرد که نزاع و تفاخر میان دو دسته اوس و خزرج آغاز شد. نزدیک بود که آتش جنگ میان آنان شعله‌ور شود که خبر به پیامبر رسید و آن حضرت از نقشه شوم مخالفان آگاه شد و به سرعت با گروهی از یارانش نزد آنان آمد و هدف اسلام و برنامه عالی خود را متذکر شد و فرمود: «اسلام شما را با یکدیگر برادر کرد. باید کینه‌ها و خشم‌ها را به دست فراموشی بسپارید...». آنان همدیگر را در آغوش گرفتند و از درگاه خداوند طلب آموزش کردند. (تاریخ اسلام، ص ۵۶) امروزه نیز صهیونیسم جهانی برنامه‌های جدی جهت ایجاد شکاف و اختلاف افکنی بین دولت و ملت ایران دارد و شاید یکی از اهداف افزایش تحریم‌ها و اختلافات مذهبی و قومی همین ایجاد شکاف بین مردم و ملت باشد و یکی از دلایل نامگذاری شعار امسال «دولت و ملت همدلی و هم‌زبانی» از سوی رهبری همین مطلب است.

امام علی (ع) در خطبه ۱۲۲ یکی از راه‌های تأثیرگذاری و نفوذ دشمنان را تفرقه‌افکنی می‌دانند. حضرت علی(ع) در خطبه ۱۲۷ تأکید می‌کنند: «به اکثریت التزام داشته باشید که دست خدا همراه جماعت است و از تفرقه بپرهیزید که موجب آفت است. آنکه از جمع مسلمانان به یک سو شود، بهره شیطان است، چنانکه گوسفند چون از گله دور ماند نصیب گرگ بیابان است. آگاه باشید، هر که مردم را بدین شعار بخواند او را بکشید، هرچند زیر عمامه من باشد.» (نهج البلاغه، خ ۱۲۷). «فَإِنَّ يَدَ اللَّهِ

[عَلَى] مَعَ الْجَمَاعَةِ وَ اِيَّاكُمْ وَ الْفُرْقَةُ فَإِنَّ الشَّادَّ مِنَ النَّاسِ لِلشَّيْطَانِ كَمَا أَنَّ الشَّادَّ مِنَ الْغَنَمِ لِلذَّبِّ أَلَا مَنْ دَعَا إِلَى هَذَا الشَّعَارِ فَاقتُلُوهُ وَ لَوْ كَانَ تَحْتَ عِمَامَتِي»

سیاست "تفرقه بینداز و حکومت کن" انگلیس پس از فرقه سازی بر بستر اختلافات عقیدتی، با تضعیف تشیع در برابر سایر مذاهب اسلامی ادامه پیدا کرد. اما این تضعیف مستقیم شیعیان نبود؛ بلکه با میزبانی از شیعیانی بود که با جهل خود (یا همراهی با MI6)، تشیع و شیعیان را هدف گرفتند. تربیت مرجعیت در لندن، تبلیغ آزادانه شیعیان افراطی مورد نظر از انگلیس (و آمریکا) و راه اندازی شبکه های متنوع در انگلیس و آمریکا از جمله این اقدامات است.

یکی از ردپاهای اولیه نفوذ انگلیس در تشیع به زمانی بازمی گردد که میرزای شیرازی به مقابله قراردادهای استعماری انگلستان پرداخت و علمای شیعه پس از آن در هر فرصتی بر ضد این قدرت استعمارگر فتوای جهاد و مقاومت می دادند. دولت انگلیس و سرویس اطلاعاتی این کشور میزبان برخی از مراجع شیعه شد و با بهره گیری از محبوبیت آن ها در اروپا، بستر پرورش طلبه های جوان با گرایش های ضد نظام اسلامی و در مغایرت با روش غالب مراجع عظام شیعه در قم و نجف، فراهم کردند.

این پرورش "روحانی لندن" ادامه پیدا کرد تا امروز به مرحله معرفی "مرجعیت انگلیسی" رسید و مراجعی از خاندان های شناخته شده، متأسفانه در مسیر طراحی شده MI6، تا مرحله زیر سؤال بردن اصل و اساس نظام اسلامی، مراجع گران قدر شیعه و ولایت فقیه و ... پیش رفته اند. اسلام و تشیع مورد نظر این افراد، نه کاری به سلطه گری آمریکا دارد و نه مشکلی با اشغالگری رژیم اسرائیل. نه دفاع از کودکان مظلوم غزه را وظیفه خود می داند و نه نسبت به داعش حساسیتی نشان می دهند.

وزیر سابق اطلاعات با تأکید بر اینکه دشمنان هیچ گاه از تفرقه افکنی دست برنمی دارند، گفت: چند سال قبل عده ای متوجه می شوند در یکی از شهرهایی که هم اهل سنت و هم شیعیان هستند، شخصی بلندگو را از سمت مسجد شیعیان به سمت مسجد اهل سنت گذاشته و هر روز هم روضه حضرت زهرا را می خواند. روضه های هم می خواند که خلفاء را مورد تعرض قرار می داد. این سؤال بالاخره برای کسی پیش آمد و رفت پیش روضه خوان. روضه خوان گفت شخصی در بازار هست که نذر این روضه را دارد و به من پول می دهد که هر روز بخوانم. او به سراغ آن شخص بازاری رفت و پرسید این نذر چیست؟ او هم اعلام بی اطلاعی کرد و بعد از چند واسطه به سفارت انگلیس رسید. (سایت رجانیوز، ۹۳/۱۲/۴)

ب) ایجاد تردید و شبهه

ایجاد تردید برای انسان از جمله شیوه های نفوذ دشمنان است که از این طریق زمینه پذیرش انحرافات برای انسان می شود. تردید عمدتاً با وسوسه شروع می شود. وسوسه می تواند افراد را نسبت به باورهای خود سست نموده و راه را برای تردید و حیران شدن فراهم نماید و کسی که به این درجه از باور برسد، نمی تواند تصمیم درستی بگیرد.

دشمنان با ایجاد شبهه، باطلی را حق معرفی می‌کنند و زمینه انحراف دیگران را فراهم می‌کنند. امام علی (ع) درباره شبهه و باطل می‌فرماید: «شبهه را از این رو شبهه نام نهادند که شباهت به حق دارد اما برای دوستان خدا، نوری که آنان را در تاریکی‌های شبهه راهنمایی کند، یقین آن‌ها است و راهنمای آن‌ها، مسیر هدایت است، ولی دشمنان خدا، گمراهی‌شان آنان را به شبهات دعوت می‌کند.» (نهج البلاغه، ج ۳۸)

در چنین شرایطی که حق و باطل درهم می‌آمیزند و شبهه‌ها ایجاد می‌شود، افراد بی‌بصیرت به خاطر فهم اشتباه به عنوان ابزاری در دست دشمنان قرار می‌گیرند و ناخواسته و با نیت حق‌مداری به عنوان عاملان عده‌ای که تعمداً حق و باطل را درهم آمیخته‌اند، عمل می‌کنند.

در شرایط فتنه غبار شبهات جامعه را فرامی‌گیرد و حضرت علی (ع) نقطه عزیمت فتنه‌ها را آنجایی می‌داند که هواهای نفسانی مورد متابعت قرار می‌گیرد و پشت‌بند آن تئوری‌سازی و بدعت صورت می‌گیرد. «إِنَّمَا بَدَأُ وَوُقُوعِ الْفِتَنِ أَهْوَاءُ تَتَّبِعُ وَ أَحْكَامُ تَبْتَدَعُ يُخَالَفُ فِيهَا» (کافی، ج ۱، ص ۵۴)

شبهاتی که امروزه در فضاهای مجازی درباره حجاب، ولایت‌فقیه، حقوق زنان و نظام اسلامی نشر پیدا می‌کند حرکتی برنامه‌ریزی‌شده از سوی دشمنان است که باید جوانان با سلاح علم به دفاع از کیان اسلامی برخیزند.

ج) جنگ رسانه‌ای و تبلیغاتی

از دیگر راه‌های نفوذ دشمنان ایجاد «جنگ تبلیغاتی» است. در قرآن کریم مواردی از جنگ تبلیغاتی را می‌توان یافت که دشمنان با هدف ضربه زدن به جامعه اسلامی از آن استفاده می‌کنند. مواردی از قبیل تحقیر مؤمنان و بزرگ‌نمایی مخالفان، توجیه، شایعه، تضعیف باورهای دینی، اظهارات دروغین و یا ریاکارانه، وعده‌های دروغین، فریب و... از جمله آن‌ها می‌باشد. هدف دشمنان از چنین رفتارهایی القای یأس و ناامیدی در مردم و روی برگرداندن از اولیاءالله و دستورات الهی است. به عنوان مثال می‌توان به شگرد فریب اشاره کرد که معمولاً با کذب و دروغ همراه است. قرآن درباره منافقان می‌فرماید: «إِذَا جَاءَكَ الْمُنَافِقُونَ قَالُوا نَشْهَدُ إِنَّكَ لَرَسُولُ اللَّهِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ إِنَّكَ لَرَسُولُهُ وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَكَاذِبُونَ؛ هنگامی که منافقان نزد تو آیند می‌گویند: ما شهادت می‌دهیم که به یقین تو رسول خدایی! خداوند می‌داند که تو رسول او هستی، ولی خداوند شهادت می‌دهد که منافقان دروغ‌گو هستند.»

امام علی (ع) از جنگ تبلیغاتی دشمنان به ردوبرق تعبیر می‌کند و تأکید می‌کند که آنان می‌خواهند از طریق ایجاد سروصدا، به نتیجه برسند؛ اما باید دانست که باطل محکوم به فنا است: «قَدْ أَرَعَدُوا وَ أْبْرَقُوا وَ مَعَ هَذَيْنِ الْأَمْرَيْنِ الْفَشْلُ وَ لَسْنَا نُرْعِدُ حَتَّى

نُوقِعَ وَ لَا نُسِيلُ حَتَّى نُمْطِرَ؛ (بازیگران کارزار جمل)، چون رعد خروشیدند و چون برق درخشیدند، اما کاری از پیش نبردند و سرانجام شکست خوردند! ولی ما این گونه نیستیم تا عمل نکنیم، رعدوبرقی نداریم و تا نباریم سیل جاری نمی‌سازیم.» دشمن با شگردهای متعددی در جهت ایجاد رعب و وحشت در بین اقشار مختلف مردم است و می‌خواهد تا با جوسازی و تبلیغات منفی و خالی کردن دل مسئولین و مردم، زمینه نفوذ خود را فراهم کند.

مقام معظم رهبری (حفظه الله) می‌فرمایند: «راجع به سند چشم‌انداز صحبت بشود، می‌گویند آقا به این سند توجهی نشده؛ راجع به پیشرفت‌های علمی بحث بشود، می‌گویند این‌ها خیلی اهمیتی ندارد؛ راجع به انتخابات بحث بشود، این شبهه‌ها و خدشه‌ها را پیش می‌آورند؛ راجع به جوان‌ها صحبت بشود، اشاره می‌کنند به تخلف چند تا جوان در یک‌طرفی! یعنی همه‌ی این نقاط مثبت، این قله‌های برجسته‌ای که همه‌اش امید افزا هست، این‌ها را سعی می‌کنند در چشم‌ها کم‌رنگ کنند. متقابلاً نقاط ضعف کوچکی که حتماً وجود دارد، بزرگ کنند یا نقاط ضعف را- نمی‌گوییم هم کوچک، نقاط ضعفی وجود دارد- بزرگ‌نمایی کنند؛ چند برابر آنچه که هست، این نقاط ضعف را نشان بدهند؛ سیاه‌نمایی کنند؛ تلقی‌های بدبینانه‌ی نسبت به نظام را گسترش بدهند. می‌بینید دیگر؛ به‌زور می‌خواهند این یأس را به جامعه‌ی القاء کنند. وقتی یأس وارد جامعه شد، جامعه از پویائی خواهد افتاد.» **بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۸۸/۷/۲**

د) استفاده ابزاری از مقدسات

یکی از شیوه‌های نفوذ دشمنان استفاده ابزاری از مقدسات بوده است. استفاده معاویه در جنگ صفین از قرآن برای فریب یاران امام علی (ع) نمونه‌ای از این شیوه است.

در جنگ صفین نیروهای حضرت علی(ع) نیروهای معاویه را در آستانه شکست قرار دادند. عمر و عاص برای رهایی از این شکست، پیشنهاد داد که شامیان قرآن‌ها را بر نیزه‌ها بزنند و بالا ببرند و از نیروهای علی(ع) بخواهند که قرآن را بین خود حکم و داور قرار بدهند. پیشنهاد عمر و عاص مورد قبول معاویه قرار گرفت و شامیان با بلند کردن قرآن‌ها، خواستار حکمیت قرآن شدند. حضرت علی(ع) به نیروهای خود فرمود: فریب نخورید، آنان می‌خواهند خود را از شکست نجات بدهند و به قرآن اعتقاد ندارد. تعداد زیادی از نیروهای عراقی با علی(ع) مخالفت کردند و گوش به حرف آن حضرت نکردند.

استفاده ابزاری خوارج از آیه «لا حکم الا لله» نیز یکی از استفاده‌های ابزاری دشمنان از مقدسات است.

وقتی که علی(ع) از خوارج شعار «لا حکم الا لله» را شنید فرمود: «لا حکم الا لله» سخن حقی است ولی آنان از آن باطل اراده می‌کنند. «نهج البلاغه، خ ۴۱»

امروزه نیز دشمنان انقلاب اسلامی به دنبال نفوذ از این طریق در مراسمات و برنامه‌های مذهبی و تغییر ماهیت این برنامه هستند و به دنبال این هستند تا روح معنویت و سازندگی از این فعالیت‌های دینی برداشته شود و پوسته خالی آن باقی بماند.

اما وظیفه ما

امیر مؤمنان علی (ع) با هشدار به همگان می‌فرمودند: «ای مردم! در طریق هدایت از کمی افراد وحشت نکنید؛ زیرا مردم در اطراف سفره‌ای اجتماع کرده‌اند که مدت سیری آن کوتاه و گرسنگی آن طولانی است.» **«نهج البلاغه، خ ۲۰۱»**

همان‌گونه که دشمنان تلاش می‌کنند تا با ظاهر فریبی‌ها چشم‌ها را خیره کنند و عقل‌ها را برابیند، بر همگان لازم است تا بیدار باشند. از این رو ما هیچ‌گاه نباید فریب چراغ سبز نشان دادن و یا لبخند زدن و گرم گرفتن دیپلمات‌های آمریکایی را بخوریم چرا که آمریکایی‌ها انسان‌های شریفی از زنان و مردان و دانشمندان و حتی کودکان بی‌گناه ما را با واسطه یا بی‌واسطه در طول بیش از سه دهه کشته‌اند که تاکنون هیچ‌گاه قصاص و جبران و تدارکی نسبت به آن صورت نگرفته است.